

درماندگی مالی، کنترل داخلی و مدیریت سود

علی حبیب زاده

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی- مالی، موسسه آموزش عالی الغدير، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
Ali.habibzadeh64@gmail.com

رباب جوایی

دانشجوی کارشناسی حسابداری، دانشگاه علمی کاربردی مدیریت بازرگانی، تبریز، ایران.
R.jooyayee69@gmail.com

شماره ۲۹ / پاییز ۱۳۹۹ (جلد اول) / صص ۹۸-۱۱۳
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

مدیریت سود مبتنی بر چگونگی استفاده مدیران از آن می‌تواند برای ارزش شرکت مضر و یا سودمند باشد. چنانچه مدیریت سود فرصت طلبانه نبوده و در جهت منافع سهامداران باشد، منجر به افزایش ارزش شرکت خواهد شد. ایجاد اطمینان در کنترل‌های داخلی سبب بهبود عدم تقارن اطلاعات و همچنین کاهش تضاد منافع بین طرفین ذینفع در بنگاه می‌گردد. از این رو هدف این پژوهش بررسی این موضوع هست که چگونه درماندگی مالی بر مدیریت سود تأثیر دارد و همین طور چگونه کنترل داخلی، رابطه فوق را تعدیل می‌کند. نمونه آماری تحقیق شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ با نمونه مشتمل بر ۱۴۱ شرکت است. برای بررسی فرضیه از رگرسیون خطی چند متغیره و داده‌های ترکیبی با استفاده از مدل حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق نتایج نشان داد که درماندگی مالی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد و همچنین در دیگر نتایج تحقیق مشاهده شد که کنترل داخلی رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: درماندگی مالی، کنترل داخلی، مدیریت سود.

مقدمه

سرمایه‌گذاران در صورتی به سرمایه‌گذاری تمایل دارند که ضمانت اجرایی نسبت به بازگشت سرمایه در صورت بروز مشکلات وجود داشته باشد. درماندگی مالی موضوعی است که می‌تواند سرمایه‌گذاران را نسبت به سرمایه‌گذاری نگران سازد. درماندگی مالی از عواملی است که هیچ‌یک از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی انتظار آن را نداشته، ولی همیشه نگران آن می‌باشند. درماندگی مالی رویدادی است که تأثیر زیادی بر مدیریت، سهامداران، کارکنان، طلبکاران، مشتریان و سایر افراد ذینفع می‌گذارد. در بورس اوراق بهادار، شرکت‌هایی وجود دارند که طبق تعاریف ارائه شده در این تحقیق دچار پریشانی مالی و

در نهایت منجر به درماندگی مالی و انحلال شده‌اند

در جهان امروز با توجه به تحولات شگرف محیطی و فناوری و به تبع پیروی از آن تجارت جهانی، توان دستیابی به سطح مطلوب از عملکرد دچار ابهامات فراوانی شده است. یکی از این تحولات تمایل مؤسسات در دستیابی به سود بیشتر هست که به پیروی از آن به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی و گسترش فعالیت‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید پرداخته‌اند (محمودآبادی و غیوری‌مقدم، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در زمینه مدیریت مالی و حسابداری، این است که سرمایه‌گذاران فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری را از فرصت‌های نامطلوب تشخیص دهند. یکی از راه‌های کمک به سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی درماندگی مالی و توجه به سطح نقدینگی برای ارزیابی شرایط و وضعیت مالی سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. تعداد شرکت‌هایی که در کشورهای مختلف دچار درماندگی مالی و به تبع آن ورشکستگی شده‌اند توجه محققان و فعالان بازار سرمایه را به بحث پیرامون این موضوع و یافتن راه‌هایی درباره چنین وضعیتی معطوف کرده است. درماندگی مالی خود را به سرعت نشان نمی‌دهد بلکه در میان حجم انبوهی از اطلاعات مالی و غیرمالی خود را پنهان می‌کند و در بخش مالی آثار بسیار مخربی بر اقتصاد و اعتماد مردم دارد و یکی از مسائلی است که می‌توان منجر به ورشکستگی شرکت‌ها شود. درماندگی مالی شرکت‌ها، به هدر رفتن منابع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. در حوزه مالی، یک شرکت زمانی درمانده مالی تلقی می‌گردد که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان، دچار مشکل شوند. زمانی که شرکتی دچار درماندگی مالی می‌شود؛ کمبود وجه نقد در بخش دارایی‌های ترازنامه و یا تورم بدهی‌ها در سمت چپ ترازنامه بیشتر شرکت‌های ایرانی به علت موقعیت تورمی که موجود است، ترجیح می‌دهند تا وجه نقد خود را به دارایی‌های دیگر تبدیل کنند. هرچند چنین پدیده رایجی سپر مقاومت در برابر تورم تلقی می‌شود، لیکن اثر ثانویه آن این است که شرکت‌ها در سررسید بدهی درمانده شده و به اعتبار سازمان لطمه وارد می‌شود، تجربه نشان داده است که اغلب شرکت‌هایی که با درماندگی مالی و ورشکستگی مواجه شده‌اند همواره از سوی مدیریت سرمایه در گردش و نیز مهم‌تر از آن ضعف در کنترل وجه نقد رنج‌برده‌اند (احمدی سارکانی و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

مدیریت سود معمولاً به تلاش مدیران شرکت‌ها در جهت دستکاری سود گزارش شده اشاره دارد. حتی اگر این فعالیت‌ها مطابق با مقررات باشند، می‌توانند از فرصت طلبی مدیران برای بهره برداری از قراردادهای پاداش نشأت بگیرند (بیکر و همکاران^۲، ۲۰۱۷). به عنوان مثال مدیران می‌توانند برای بهتر نشان دادن عملکرد شرکت، سود را بیش‌تر گزارش کنند و از پرداخت‌های انگیزشی مانند پاداش مبتنی بر سود بهره‌مند گردند و یا سود را برای کسب مزایا از طرح‌های اختیار خرید سهام کارکنان کاهش دهند تا بدین‌وسیله قیمت جاری سهام کاهش یابد. با این وجود امکان دارد برخی افراد استدلال کنند که مدیران می‌توانند تکنیک‌های مدیریت سود را در جهت مخابره اطلاعات معینی استفاده کنند (داتا^۳، ۲۰۱۵) و یا سود را برای کاهش نوسان آن، هموار کنند (ماگراس^۴، ۲۰۱۶). بنابراین مدیریت سود مبتنی بر چگونگی استفاده مدیران از آن می‌تواند برای ارزش شرکت مضر و یا سودمند باشد. چنانچه مدیریت سود فرصت‌طلبانه نبوده و در جهت منافع سهامداران باشد، منجر به افزایش ارزش شرکت خواهد شد (پورنسیست^۵، ۲۰۱۶). در این راستا شرکت‌هایی که سود خود را هموار می‌کنند، ارزش بالاتری

¹ Ahmadi Sarkani

² Baker et al

³ Datta

⁴ Magrass

⁵ Porencite

نسبت به شرکتهایی که سود خود را هموار نمی‌کنند خواهند داشت (موسوی، ۱۳۹۶). اما اگر مدیریت سود ناشی از فرصت‌طلبی مدیران باشد منجر به کاهش ارزش شرکت خواهد شد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۵). در دو دهه اخیر و در پی رسوایی‌های مالی شرکتهایی همچون انرون و وردکام، کنترل‌های داخلی در جهت افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به قابلیت اتکای صورت‌های مالی، مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است. قانون ساریینز آکسلی در سال ۲۰۰۲، شرکت‌ها را ملزم به انتشار گزارش کنترل داخلی کرده است. از این رو، سرمایه‌گذاران می‌توانند به راحتی از کیفیت سیستم کنترل داخلی شرکت مطلع شوند. در کشور ما نیز سازمان بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ و در راستای ماده ۱۸ دستورالعمل پذیرش بورس اوراق بهادار تهران، اقدام به انتشار دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کرده است (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۶).

ایجاد اطمینان در کنترل‌های داخلی سبب بهبود عدم تقارن اطلاعات و همچنین کاهش تضاد منافع بین طرفین ذینفع در بنگاه می‌گردد، زیرا جریان اطلاعات بصورت کامل و شفاف ارائه می‌گردد و همچنین فرآیندهای داخلی از طریق وجود ضعف‌های موجود در سیستم‌های کنترل داخلی امکان بروز رفتارهای فرصت طلبانه به مدیریت را نمی‌دهند. در نتیجه کنترل‌های داخلی می‌تواند اولاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد و ثانیاً تقارن اطلاعات را افزایش دهد و ثالثاً باعث کاهش تضاد منافع و نظارت بیشتر بر مدیریت گردد. در نتیجه انتظار می‌رود که از یک طرف کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارآمدی سرمایه‌گذاری منابع بکار رفته شده و از طرف دیگر ناکارآمدی ناشی از بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری با بهبود وضعیت کنترل داخلی تعدیل گردد (رضوی عراقی، جهانشاد و مستوفی، ۱۳۹۷). چنگ، دهالیوال و ژانگ^۱ (۲۰۱۳) که نشان می‌دهد ناکارآمدی سرمایه‌گذاری شرکت‌های دارای ضعف کنترل داخلی نسبت به شرکتهایی که دارای ضعف کنترل داخلی نیستند پس از افشای اطلاعات از بین می‌رود. هریس و راویو^۲ (۱۹۹۶) معتقدند که برای درک رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌ها باید هر دو فرآیند که سرمایه خارجی را افزایش می‌دهد و آنچه که از آن استفاده می‌شود را در نظر بگیرد. بیدله، هیلاری و وردی^۳ (۲۰۰۹) و چنگ، دهالیوال و ژانگ (۲۰۱۳) نشان دادند که کیفیت اطلاعات حسابداری ضعیف منجر به سرمایه‌گذاری ناکارآمد می‌شود. مطابق با مطالب بیان شده این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع هست که آیا درماندگی مالی بر مدیریت تاثیر دارد و آیا کنترل داخلی این رابطه را تعدیل می‌کند؟

مبانی نظری

درماندگی مالی

در حوزه مالی، یک شرکت زمانی درمانده مالی تلقی می‌شود که در ایفای تعهدات به اعتباردهندگان، دچار مشکل شود. بدهی‌های یک شرکت ممکن است برای تأمین مالی عملیات آن استفاده شود، اما با این کار بیشتر در معرض خطر تجربه درماندگی مالی قرار می‌گیرد (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین اگر درماندگی مالی شرکت بهبود نیابد، به درماندگی مالی منجر می‌شود (های گینز^۴، ۲۰۰۷). درماندگی مالی ممکن است در یک مغازه خرده‌فروشی کوچک که قادر به ایفای تعهد اجاره‌اش نیست و بدین دلیل بسته می‌شود و یا در یک شرکت تولیدی بزرگ به دلیل نداشتن نقدینگی مطلوب و زیان‌های

¹ Cheng, M., Dhaliwal, D., & Zhang, Y.

² Harris, M., & Raviv, A.

³ Biddle, G., Hilary, G., & Verdi, R.

⁴ Higgins

مستمر سالانه رخ دهد. حسابداران باید علل پدیدآورنده درماندگی مالی را به خوبی درک کنند زیرا آنها هستند که می‌توانند قبل از وقوع درماندگی مالی، مدیریت را از آن آگاه سازند و راه‌حل‌های پیشگیری‌کننده ارائه نمایند. در ادبیات مالی واژه‌های غیرتمایزی برای درماندگی مالی وجود دارد. برخی از این واژه‌ها عبارت‌اند از وضع نامطلوب مالی، شکست، عدم موفقیت واحد جاری، وخامت، درماندگی مالی، عدم قدرت پرداخت دیون و غیره. درماندگی مالی هنگامی رخ می‌دهد که بدهی‌های یک شرکت از ارزش دارائی‌های موجود در شرکت تجاوز کند. در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) درماندگی مالی را بدین شکل تعریف می‌کند: درماندگی مالی حالت یک بازرگان یا شرکتی تجاری است که از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شود و نتواند پیمان‌های بازرگانی خود را عملی کند. درماندگی مالی و مقررات آن تنها دربرگیرنده‌ی بازرگانان می‌شود و چنانچه اشخاص عادی قادر به پرداخت بدهی خود نباشند اصطلاحاً به آنان معسر گفته می‌شود. از نظر حقوقی، درماندگی مالی عبارت است از این که بدهکار از کل دارایی خود به نفع طلبکار صرف‌نظر کند. ولی هرگاه از درماندگی مالی برائت حاصل کند، می‌تواند مجدداً کار خود را آغاز کند (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳). منوچهر فرهنگ درماندگی مالی را، اقدامی قانونی می‌داند که به موجب آن به‌طور کلی دارایی‌های یک بدهکار عاجز از پرداخت بدهی خود به سود طلبکاران ضبط شود. ورشکستگی در متون علمی تعاریف مختلفی دارد. در زیر چند تعریف از نظر تجاری و حقوقی ارائه شده است. ورشکستگی هنگامی رخ می‌دهد که بدهی‌های یک شرکت از ارزش بازار دارائی‌های موجود در شرکت تجاوز کند.

کنترل داخلی

کوزو، سازمانی است که در سال ۱۹۸۵ برای حمایت از کمیسیون ملی برای پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه تشکیل شد. این سازمان متعلق به بخش خصوصی بوده و راهنمایی‌هایی جهت به‌کارگیری عوامل مختلف برای جلوگیری از تقلبات گزارشگری مالی ارائه می‌کند. همچنین سازمان مذکور توصیه‌هایی برای شرکت‌های سهامی عام و حساب‌برسان مستقل آن، برای کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) و سایر قانون‌گذاران در این حوزه و نیز برای مؤسسات آموزشی منتشر می‌کند. مضافاً کوزو توسط پنج نهاد حرفه‌ای، انجمن حسابداران رسمی آمریکا، انجمن حسابداری آمریکا، انجمن حسابرسی داخلی، انجمن حسابداران مدیریت و انجمن مدیران حمایت می‌شود.

اولین چارچوب یکپارچه کنترل داخلی تهیه شده توسط کوزو در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. ده سال بعد از انتشار این چارچوب، پیام قانون ساربنز آکسلی، به‌طور خاص بر روی اهمیت برقراری کنترل‌های داخلی شکل گرفت. این قانون نه تنها سازمان‌ها را به ایجاد و حفظ کنترل‌های داخلی مؤثر بر گزارشگری مالی ملزم نمود، بلکه مدیران و حساب‌برسان مستقل را به ارزیابی و گزارش اثربخشی کنترل‌های داخلی ملزم کرد. در ایران نیز به‌موجب دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید، هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مکلف شدند نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش اطمینان حاصل کرده و نتایج آن را در گزارشی با عنوان گزارش کنترل‌های داخلی درج کنند.

حساب‌برسان مستقل این شرکت‌ها نیز موظف شدند در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام، در مورد استقرار و به‌کارگیری سیستم کنترل داخلی اثربخش اظهارنظر کنند. شرکت‌های بورسی و فرابورسی سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه ۱۳۹۱ و پس از آن است، ملزم به رعایت و اجرای این دستورالعمل شدند و باید علاوه بر صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت، گزارش کنترل‌های داخلی را نیز ارائه کنند. چارچوب کوزو

به‌عنوان راهنمای مورد فوق، به‌صورت گسترده‌ای توسط هیئت مدیران شرکت‌ها و محافل حرفه‌ای در سراسر دنیا قرار گرفته و در طراحی، اجرا و ارزیابی کنترل‌های داخلی استفاده شده است. در حسابرسی مستقل نیز، شناخت کنترل‌های داخلی امری ضروری و محتوم است. این شناخت برای شناسایی انواع تحریفات بالقوه، بررسی عوامل مؤثر بر خطر وقوع تحریف‌های بااهمیت و طراحی آزمون‌های محتوا مورد استفاده قرار می‌گیرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۹). می‌توان گفت به‌رغم وجود چارچوب‌های در دسترس دیگر، حرفه حسابداری چارچوب یکپارچه کنترل‌های داخلی ارائه‌شده توسط کوزو را با توجه به بهنگام بودن آن از جهت در نظر گرفتن چهارچوبی برای مفاهیم اصلی در مورد طراحی، اجرا و انجام کنترل‌های داخلی و ارزیابی اثربخشی آن بیشتر از بقیه قبول دارد. همچنین طی به‌روزرسانی‌های متعدد که آخرین تغییرات آن یا هدایت موسسه حسابرسی PWC انجام شده است و در ماه می ۲۰۱۳ منتشر شد، تغییرات واحدهای تجاری و عملیاتی و همچنین محیطی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند را مورد پوشش قرار داده است. به تعبیری جالب بیل اشنایدر^۱، مدیر حسابداری و عضو شورای مشورتی کوزو در گفت‌وگو با AICPA به این مطلب اشاره کرده است و یادآور شده است که: اگر به هرگونه مطلبی که ۲۰ سال است بدون هرگونه تجدیدنظری باقی‌مانده است فکر می‌کنید، بسیار شگفت‌انگیز است! یعنی درواقع وی به اهمیت لزوم تجدیدنظر در متون بر اثر گذشت زمان تأکید دارد. هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، به‌صراحت اشاره به چارچوب کوزو به‌عنوان معیاری مناسب جهت استفاده در هنگام ارزیابی کنترل‌های داخلی به‌عنوان حسابرسی کنترل‌های داخلی که پیش از گزارش مالی همراه با حسابرسی مالی انجام می‌شود، کرده است.

پیشینه پژوهش

ددن ترمیدی و اتی مروانینگساری^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان بررسی تأثیر مدیریت سود و برنامه ریزی مالیاتی بر ارزش شرکت با نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی در ۴۸۱ شرکت تولیدی در طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۳ در اندونزی انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که مدیریت سود و برنامه ریزی مالیاتی بر ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد. همچنین کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تأثیر معناداری ندارد اما بر رابطه بین برنامه ریزی مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

چانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، در تحقیقی تحت عنوان تأثیر ویژگی‌های حسابرسی‌های داخلی بر اثر بخشی کنترل داخلی بر عملیات و انطباق به این نتیجه رسیدند که یک تیم حسابرسی داخلی بزرگ‌تر می‌تواند عملکرد حسابرسی داخلی را برای هر دو عملیات و انطباق افزایش دهد درحالی‌که صلاحیت حسابرس داخلی به‌طور مثبتی با کارایی کنترل داخلی بر انطباق و نه عملیات مرتبط است.

جی و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، در تحقیقی تحت عنوان افشای داوطلبانه ضعف کنترل داخلی و کیفیت سود: شواهدی از چین بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۱۰۵۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار چین در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به این نتیجه رسیدند که کیفیت سود رابطه معناداری با افشای داوطلبانه ضعف کنترل داخلی دارد. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد

¹ Bil ashnaider

² Deden Tarmidi & ETTY Murwaningsari

³ Chang et al

⁴ Ji et al

که هم افشای داوطلبانه ضعف کنترل داخلی مرتبط با حسابداری و افشای داوطلبانه ضعف کنترل داخلی غیر مرتبط با حسابداری بر کیفیت سود تأثیر معناداری دارد.

آرمسترانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان بررسی رابطه مدیریت سود با ارزش شرکت در ۸۸۰ شرکت در طی سال‌های ۲۰۱۷ - ۲۰۱۳ تایوان انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و ارزش شرکت یک رابطه همبستگی معکوس بسیار قوی وجود دارد. این بدین معنا است که مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در جهت منافع شرکت نبوده و مدیران این شرکت‌ها از مدیریت سود در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند.

لوپز و همکاران^۲ (۲۰۱۵) به تحلیل تأثیر درماندگی مالی بر رفتار سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی از آلمان، کانادا، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، برتانیای پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نفوذ درماندگی مالی بر شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاری آن‌ها را تغییر می‌دهد که در این حالت شرکت‌ها با مشکلات مالی بالا فرصت‌های کمتری برای سرمایه‌گذاری دارند و در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که کمترین ریسک را داشته باشد.

تقوی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان رابطه مدیریت سود با ارزش شرکت روی ۴۲۰ شرکت در طی سال‌های ۱۳۹۲ - ۱۳۸۷ انجام دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین مدیریت سود و ارزش شرکت یک رابطه همبستگی معکوس بسیار قوی وجود دارد. یعنی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در جهت منافع شرکت نبوده و مدیران این شرکت‌ها از مدیریت سود در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند.

ابراهیمی کردلر و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی تأثیر نقاط ضعف کنترل‌های داخلی بر عملکرد و ارزش شرکت پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نقاط ضعف کنترل‌های داخلی بر عملکرد و ارزش بازار شرکت تأثیر منفی دارد. همچنین، نقاط ضعف کنترل‌های داخلی روی رابطه بین سود و ارزش شرکت تأثیر منفی دارد.

رضوی عراقی (۱۳۹۷)، در تحقیقی تحت عنوان تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری به این نتیجه رسیدند که وجود ضعف‌های عمده در کنترل‌های داخلی منجر به ایجاد ناکارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها می‌گردد و در نهایت ضرورت پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی مؤثر در سازمان توسط مدیران، بیش‌ازپیش خود را نمایان می‌سازد.

اسمعیلی و گوگردچیان (۱۳۹۶)، در تحقیقی به ارزیابی محتوای اطلاعاتی نسبت‌های صورت جریان وجه نقد در تشخیص ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی از سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. برای این منظور ۸۴ شرکت شامل ۴۲ شرکت ورشکسته و ۴۲ شرکت سالم انتخاب شدند. شبکه عصبی این تحقیق پرسپترون سه لایه است که با روش الگوریتم پس انتشار خطا آموزش دیده است. بر اساس نتایج تحقیق، مدل شبکه عصبی با نسبت جریان نقدی عملیاتی به بدهی‌های جاری، نسبت پوشش جریان نقدی عملیاتی به بهره، نسبت بازده نقدی دارایی‌ها، نسبت کیفیت سود و نسبت آبی بیشترین قدرت پیش‌بینی را نسبت به ورشکستگی شرکت‌ها در ایران دارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که دقت پیش‌بینی مدل برای سال ورشکستگی ۹۹ درصد و در مجموع مراحل ورشکستگی در یک، دو و سه سال قبل از ورشکستگی به ترتیب با دقت ۹۱، ۸۵ و ۷۰ درصد است.

¹ Armstrong et al.

² Lopez et al

جمشیدپور و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان بررسی تأثیر مدیریت سود بر ارزش شرکت روی ۱۱۵ شرکت در طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۴ انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از وجود تأثیر مثبت و معنادار بین مدیریت و ارزش شرکت حکایت می‌کند.

فروغی و همکاران (۱۳۹۶)، هدف از تحقیق خود را، بررسی تأثیر درماندگی مالی بر اثر گذاری اقلام تعهدی بر بازده آتی دارایی‌ها و بازده آتی سهام قراردادند. نمونه تحقیق شامل ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ هست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در شرکت‌های درمانده مالی اثرگذاری اقلام تعهدی بر بازده آتی دارایی‌ها کمتر است، این امر ناشی از پایداری بیشتر اقلام تعهدی (برآوردهای واقعی‌تر) در شرکت‌های درمانده مالی است. همچنین در شرکت‌های درمانده مالی اثرگذاری اقلام تعهدی بر بازده آتی سهام کمتر است که ناشی از نابهنجاری کمتر اقلام تعهدی (قیمت‌گذاری نادرست کمتر) در شرکت‌های درمانده مالی نسبت به شرکت‌های غیر درمانده مالی است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: درماندگی مالی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.
فرضیه دوم: کنترل داخلی بر رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

پژوشه از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است، زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون تعیین می‌نماید. علاوه بر این در حوزه مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود. برای جمع‌آوری داده‌های متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌ها و از منابع مختلفی همچون نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت اینترنتی متعلق به مرکز مدیریت پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال استفاده شده است. قلمرو زمانی این پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ است.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. نمونه آماری به روش حذفی و با اعمال شرایط زیر تعیین شد:

۱. برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری آن‌ها، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
۲. طی قلمرو زمانی پژوهش، توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.
۳. کلیه اطلاعات موردنیاز از شرکت‌ها برای پژوهش در دسترس باشد.
۴. شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته‌شده باشند.

۵. شرکت‌ها جزء شرکت‌های بیمه، بانکی و واسطه‌گری مالی نباشند.
با مد نظر دادن محدودیت‌های بالا تعداد ۱۴۱ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها متغیر وابسته

مدیریت سود (EM): مدیریت سود یعنی مدیر، آزادی عمل بر روی ارقام حسابداری را با فرض وجود یا عدم وجود محدودیت‌هایی در این زمینه به کار گیرد (واتس و زیمرمن^۱، ۱۹۹۰).

جهت محاسبه مدیریت سود مطابق با پژوهش دیچو، اسلوان و سوئینی^۲ (۱۹۹۵) از مدل تعدیل‌شده جونز^۳ (۱۹۹۱) استفاده شده است. در مدل جونز تعدیل‌شده ابتدا کل اقلام تعهدی از رابطه ۱ محاسبه می‌گردد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۶)

$$TA_{i,t} = E_{i,t} - CFO_{i,t} \quad \text{رابطه ۱}$$

که در این رابطه:

$E_{i,t}$: سود خالص شرکت i در سال t

$CFO_{i,t}$: جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت i در سال t

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، عوامل $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به‌منظور تعیین اقلام تعهدی عادی، از طریق رابطه ۲ برآورد می‌شوند: (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۶)

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۲}$$

که در این رابطه داریم:

$TA_{i,t}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و سال $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال t و سال $t-1$

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$\varepsilon_{i,t}$: اثرات نامشخص عوامل تصادفی

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$: عوامل برآورد شده شرکت i

پس از محاسبه عوامل $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ طبق فرمول ذیل، اقلام تعهدی عادی با استفاده از مدل جونز تعدیل‌شده در دوره‌ی آزمون را از رابطه ۳ به دست می‌آوریم: (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۶)

$$NDA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 \left[\frac{1}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_2 \left[\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} \right] + \alpha_3 \left[\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right] \quad \text{رابطه ۳}$$

¹ Watts & Zimmerman

² Ditch, Sloan and Sweeney

³ Jones

که در آن:

$NDA_{i,t}$: ارقام تعهدی عادی شرکت i بین سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد فروش شرکت i بین سال t و $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال t و $t-1$

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

در مرحله آخر ارقام تعهدی غیرعادی از طریق رابطه ۴ محاسبه می‌شود: (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۶)

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t} \quad \text{(رابطه ۴)}$$

متغیر مستقل

درماندگی مالی: متغیر وابسته این تحقیق درماندگی مالی هست؛ در این تحقیق سه معیار زیر نشان‌دهنده‌ی درماندگی مالی در شرکت است (اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۴):

۱. زیان مالی در سه سال متوالی (زیان عملیاتی، زیان خالص، یا زیان انباشته).
 ۲. سود تقسیمی هر سال نسبت به سال قبل بیش از ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است.
 ۳. مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد (برای زیان‌های وارده شده حداکثر ۵۰ درصد سرمایه شرکت از بین رفته باشد).
- چنانچه شرکتی یکی از این سه شرط بالا را داشته باشد دارای درماندگی مالی محسوب می‌شود. به شرکت‌هایی که بحران مالی دارند، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر داده می‌شود.

متغیر تعدیلی

کنترل داخلی

طبق بخش ۳۱۵ استاندارد حسابرسی ایران، کنترل داخلی فرایندی است که به‌وسیله مدیریت و سایر کارکنان طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به هدف‌های واحد تجاری مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوطه، اطمینان معقول به دست آید. بنابراین عدم دستیابی به هر یک از اهداف می‌تواند نشان‌دهنده ضعف کنترل داخلی استقرار یافته در شرکت باشد. در تحقیق حاضر پژوهشگر با اتکا بر مطالعه بادر تسجیر، جورگنسن، کتز و کینی^۱ (۲۰۱۲)، قدیم‌پور و دستگیر (۱۳۹۵) برای اندازه‌گیری اثربخشی سیستم کنترل داخلی از متغیر تعداد بندهای گزارش حسابرسی مستقل استفاده کرد. از آنجا که حسابرسان اغلب موارد ضعف و ایرادهای اساسی را در گزارش حسابرسی درج می‌کنند، بنابراین در روش حاضر تصور بر این است که هر اندازه تعداد بندهای گزارش حسابرسی یک صاحب‌کار بیشتر باشد، به همان اندازه میزان ضعف سیستم کنترل داخلی آن صاحب‌کار بیشتر خواهد بود.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (FSIZE): با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت برآورد شده است.
سن شرکت (FAGE): برابر با تفاضل تعداد سال‌های بین سال انجام تحقیق و سال تاسیس شرکت است.

¹Badertscher, B. Jorgensen, B. Katz, S. Kinney, W

اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت بدهی های بلندمدت به کل دارایی.
نسبت کارایی دارایی ها (TATO): برابر است با فروش خالص تقسیم بر جمع دارایی ها.
نسبت جاری (CR): برابر است با نسبت دارایی های جاری یک شرکت در سال مورد نظر به بدهی های جاری آن شرکت.

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱، آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۴۱ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۸ ساله (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷) می‌باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
درماندگی مالی	۰/۱۷	۰	۱	۰	۰/۳۷
مدیریت سود	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۵۰	-۰/۳۷	۰/۰۹
کنترل داخلی	۱۱/۵۸	۱۱/۰۰	۲۴/۰۰	۵/۰۰	۳/۸۲
اندازه شرکت	۱۴/۵۵	۱۴/۲۹	۱۹/۳۴	۱۱/۰۴	۱/۴۷
سن شرکت	۳/۶۵	۳/۷۳	۴/۲۰	۲/۷۱	۰/۳۵
اهرم مالی	۰/۵۸	۰/۵۹	۱/۲۷	۰/۱۱	۰/۲۰
نسبت کارایی دارایی‌ها	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۶۴	-۰/۳۱	۰/۱۴
نسبت جاری	۱/۴۰	۱/۳۱	۳/۸۸	۰/۲۱	۰/۶۱

با نگاهی به جدول (۱) می‌توان دریافت که در بین متغیرها، اندازه شرکت با مقدار (۱۴/۵۵) دارای بیشترین میانگین و مدیریت سود با مقدار (۰/۰۰۲) دارای کمترین میانگین است. با مقایسه انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی به این نتیجه می‌رسیم که متغیر کنترل داخلی (۳/۸۲) نسبت به سایر متغیرها دارای بیشترین پراکندگی است و این بدان معناست که این متغیر نوسانات شدیدی دارد و متغیر مدیریت سود (۰/۰۹) دارای کمترین پراکندگی است.

آزمون مانایی

برای بررسی مانایی از آزمون ریشه‌ی واحد^۱ استفاده شده است. فرض‌های آماری مربوط به آزمون وجود ریشه‌ی واحد به‌قرار زیر است:

فرضیه‌ی صفر (H_0): ریشه‌ی واحد وجود دارد و متغیر مورد نظر مانا نیست.

فرضیه‌ی مقابل (H_1): ریشه‌ی واحد وجود ندارد و متغیر مورد نظر مانا است.

¹ Unit Root Test

جدول (۲): آزمون لوین، لین و چو

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	متغیر
مانا	۰/۰۰۰۰	-۳۳۷/۸۶	درماندگی مالی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۵/۹۴	مدیریت سود
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۱۶۵/۲۶	کنترل داخلی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۹/۴۶	اندازه شرکت
مانا	۰/۰۰۰۰	-۹/۲۱	سن شرکت
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۷/۱۸	اهرم مالی
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۸/۷۰	نسبت کارایی دارایی‌ها
مانا	۰/۰۰۰۰	-۱۳۱/۱۵	نسبت جاری

با توجه به نتایج جدول ۲ می‌توان گفت از آنجایی که احتمال‌های محاسبه شده در آزمون لوین، لین و چو کوچکتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرضیه صفر که مبنی بر وجود ریشه واحد برای متغیرها پذیرفته نمی‌شود و تمامی متغیرها در سطح مانا هستند.

آزمون اف لیمر (چاو)

این آزمون برای تشخیص بین الگوهای اثرات معمولی (pool) و داده‌های تابلویی (panel) صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر برای مدل پژوهش بدین شرح می‌باشد:

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰۰	۳۱/۳۳	مدل اول
پذیرش الگوی داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰۰	۲۲/۲۵	مدل دوم

نتایج حاصل در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون برای مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد.

آزمون هاسمن

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد ساختار داده‌ای panel انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
اثرات ثابت عرض از مبدأ	۰/۰۰۰۰	۷۰/۰۲	مدل اول
اثرات ثابت عرض از مبدأ	۰/۰۰۰۰	۸۷/۳۱	مدل دوم

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات ثابت می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس

اگر خطاهای رگرسیون ناهمسان باشند اما محقق بدون در نظر گرفتن این موضوع به فرایند برآورد و استنباط ادامه دهد در این حالت، انحراف معیار می‌تواند اشتباه باشد و بنابراین هرگونه استنباطی که صورت گرفته، می‌تواند گمراه‌کننده باشد بنابراین از آزمون والد تعدیل‌شده برای بررسی ناهمسانی واریانس جملات اخلاص استفاده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۴/۱۲	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس
فرضیه دوم	۷/۶۲	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس

نتایج حاصل در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معنی داری آزمون در مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با وزن دادن به مدل بصورت حداقل مربعات تعمیم یافته تخمین زده شده تا این مشکل رفع گردد. برای تخمین الگوهای اقتصادی، روش‌های متفاوتی وجود دارد. با لحاظ کردن فروض کلاسیک، روش حداقل مربعات معمولی^۱ بر اساس قضیه گاوس-مارکف بهترین تخمین زننده خطی بدون تورش است؛ اما در صورت وجود ناهمسانی واریانس دیگر روش حداقل مربعات معمولی روش مناسبی برای تخمین نیست که از این رو با وزن دادن^۲ به رفع آن پرداخته و مدل مناسب برای تخمین آزمون فرضیه‌ها روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۳ خواهد بود.

نتایج مدل پژوهش برای فرضیه پژوهش

فرضیه اول: درماندگی مالی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

جدول (۶): نتایج تخمین فرضیه اول تحقیق

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
درماندگی مالی	۰.۰۷۸۶۲۱	۰.۰۳۳۷۷۷	۲.۳۲۷۶۳۹	۰.۰۲۰۳
سن شرکت	۱۱.۱۶۸۹۱	۱.۹۶۸۸۲۱	۵.۶۷۲۸۹۲	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰.۵۰۲۳۸۸	۰.۳۳۰۴۴۱	-۱.۵۲۰۳۵۶	۰.۱۲۹۰
اهرم مالی	۱.۸۲۸۱۱۹	۰.۹۲۱۷۹۲	۱.۹۸۳۲۲۳	۰.۰۴۷۸
نسبت کارایی دارایی‌ها	۷.۹۳۰۳۳۰	۰.۹۴۷۲۱۳	۸.۳۷۲۲۸۲	۰.۰۰۰۰
نسبت جاری	-۰.۳۶۴۷۲۸	۰.۲۴۹۹۴۸	-۱.۴۵۹۲۱۵	۰.۱۴۵۱
عرض از مبدا	-۳۱.۹۶۷۷۴	۵.۰۴۷۸۳۶	-۶.۳۳۲۹۶۰	۰.۰۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی				

¹ OLS

² Cross-section weights

³ GLS

۰/۴۳	ضریب تعیین
۰/۳۱	ضریب تعیین تعدیل شده
۳/۶۴ (۰/۱۰۰)	آماره اف و سطح معناداری آن
۲/۱۵	دوربین واتسون

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۱ درصد کوچکتر است (۰/۱۰۰) لذا مدل معنی دار بوده و فرضیه H_1 آزمون F در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۴۳ درصد متغیر مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۱ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ واقع شده است پس مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق متغیر درماندگی مالی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد است که نشان دهنده رابطه معنادار با مدیریت سود است. لذا فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. همچنین متغیرهای کنترلی سن شرکت، اهرم مالی و نسبت کارایی داراییها با توجه به سطح معناداری آن رابطه معناداری با مدیریت سود دارند. اما متغیر کنترلی اندازه شرکت و نسبت جاری با توجه به سطح معناداری آن رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد. فرضیه دوم: کنترل داخلی بر رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری دارد.

جدول (۷): نتایج تخمین فرضیه دوم تحقیق

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
درماندگی مالی	-۰.۰۰۳۸۴۵	۰.۰۰۱۹۲۳	-۲.۰۰۰۱۹۰	۰.۰۴۶۰
کنترل داخلی	۲.۰۱۹۶۹۷	۱.۱۴۱۰۸۹	۱.۷۶۹۹۷۳	۰.۰۷۷۳
درماندگی مالی * کنترل داخلی	-۰.۰۰۳۳۴۷	۰.۰۰۱۵۵۴	-۲.۱۵۳۸۹۷	۰.۰۳۱۶
سن شرکت	۸.۵۲۱۶۸۶	۱.۱۲۷۸۷۰	۷.۵۵۵۵۵۴	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰.۲۵۲۷۹۰	۰.۱۷۸۲۳۱	-۱.۴۱۸۳۳۲	۰.۱۵۶۷
اهرم مالی	۳.۱۵۹۶۰۲	۰.۶۴۲۵۶۲	۴.۹۱۷۱۹۷	۰.۰۰۰۰
نسبت کارایی دارایی ها	۷.۸۱۹۰۹۵	۰.۵۵۸۳۹۰	۱۴.۰۰۲۹۳	۰.۰۰۰۰
نسبت جاری	-۰.۱۵۳۰۲۸	۰.۱۲۸۵۰۰	-۱.۱۹۰۸۷۶	۰.۲۳۴۲
عرض از مبدا	-۲۷.۰۴۶۴۹	۲.۸۵۹۴۴۰	-۹.۴۵۸۶۶۷	۰.۰۰۰۰
سایر آماره های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰/۶۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳			
آماره اف و سطح معناداری آن	۷/۴۷ (۰/۱۰۰)			
دوربین واتسون	۲/۰۸			

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که سطح معناداری آماره F از ۱ درصد کوچک‌تر است (۰/۰۰) لذا مدل معنی‌دار بوده و فرضیه H_1 آزمون F در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۰/۶۲ درصد متغیر مدیریت سود توسط متغیرهای توضیحی تبیین می‌گردد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۳ درصد به دست آمده است. علاوه بر این به منظور بررسی همبستگی جملات خطا باید به میزان آماره دوربین واتسون توجه نمود چون مقدار آماره دوربین واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ واقع شده است پس مشکل خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق متغیر تعاملی درماندگی مالی × کنترل داخلی با توجه به اینکه سطح معناداری آن کوچکتر از ۵ درصد است که نشان دهنده رابطه معنادار با مدیریت سود است. لذا فرضیه دوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. همچنین متغیرهای کنترلی سن شرکت، اهرم مالی و نسبت کارایی دارایی‌ها با توجه به سطح معناداری آن رابطه معناداری با مدیریت سود دارند. اما متغیر کنترلی اندازه شرکت و نسبت جاری با توجه به سطح معناداری آن رابطه معناداری با مدیریت سود ندارد.

نتیجه گیری

مدیریت سود معمولاً به تلاش مدیران شرکت‌ها در جهت دستکاری سود گزارش شده اشاره دارد. حتی اگر این فعالیت‌ها مطابق با مقررات باشند، می‌توانند از فرصت طلبی مدیران برای بهره برداری از قراردادهای پاداش نشأت بگیرند. ایجاد اطمینان در کنترل‌های داخلی سبب بهبود عدم تقارن اطلاعات و همچنین کاهش تضاد منافع بین طرفین ذینفع در بنگاه می‌گردد، زیرا جریان اطلاعات بصورت کامل و شفاف ارائه می‌گردد و همچنین فرآیندهای داخلی از طریق وجود ضعف‌های موجود در سیستم‌های کنترل داخلی امکان بروز رفتارهای فرصت طلبانه به مدیریت را نمی‌دهند. در نتیجه کنترل‌های داخلی می‌تواند اولاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشد و ثانیاً تقارن اطلاعات را افزایش دهد و ثالثاً باعث کاهش تضاد منافع و نظارت بیشتر بر مدیریت گردد. در نتیجه انتظار می‌رود که از یک طرف کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارآمدی سرمایه‌گذاری منابع بکار رفته شده و از طرف دیگر ناکارآمدی ناشی از بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری با بهبود وضعیت کنترل داخلی تعدیل گردد. از این رو هدف این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع هست که آیا درماندگی مالی بر مدیریت تاثیر دارد و آیا کنترل داخلی این رابطه را تعدیل می‌کند؟ جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. که در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج آزمون فرضیه تحقیق نتایج نشان داد که درماندگی مالی بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد و همچنین در دیگر نتایج تحقیق مشاهده شد که کنترل داخلی رابطه بین درماندگی مالی و مدیریت سود را تعدیل می‌کند. که نتایج این تحقیق با نتایج لی و همکاران (۲۰۲۰) همسو است.

منابع

- ✓ ابراهیمی کردلر، علی، حسن بیگی، وحید، غواصی کناری، محمد، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر نقاط ضعف کنترل‌های داخلی بر عملکرد و ارزش شرکت، حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۵-۶۸.
- ✓ اعتمادی حسین، عبدلی، لیلا، (۱۳۹۴)، هموارسازی سود و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱-۲۸.

- ✓ تقوی، عبدالمهدی، رضایی، ندا، (۱۳۹۸)، رابطه مدیریت سود با ارزش شرکت، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۴۴-۵۶.
- ✓ حاجیها، زهره، اورادی، جواد، صالح‌آبادی، مهری، (۱۳۹۶)، ضعف در کنترل‌های داخلی و تأخیر گزارش حسابرسی، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۷۸-۹۶.
- ✓ رضوی عراقی، سیدمحمدرضا، جهانشاد، آزینا، مستوفی، امیر، (۱۳۹۷)، تأثیر ضعف‌های عمده کنترل‌های داخلی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۱۴۳-۱۶۷.
- ✓ فروغی، داریوش، امیری، هادی، الشریف، سید محمد، (۱۳۹۶)، تاثیر درماندگی مالی بر اثرگذاری اقلام‌تعهدی بر بازده‌های آتی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۹۳-۱۲۳.
- ✓ قدیم پور، جواد، دستگیر، محسن، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر عوامل ریسک دادخواهی حساب‌رسان بر حق‌الزحمه حسابرسی. پژوهشنامه حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۳۷-۵۴.
- ✓ کردستانی، غلامرضا، غبور، فرزاد، آشتاب، علی، (۱۳۹۳)، مقایسه کارایی نسبت‌های مالی مبتنی بر روش نقدی و روش تعهدی در پیش بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۵، صص ۱۹۱-۲۰۵.
- ✓ محمودآبادی، حمید، غیوری مقدم، علی، (۱۳۹۰)، رتبه بندی اعتباری توان مالی پرداخت اصل و فرع بدهی‌ها با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها. دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۴۳.
- ✓ Ahadi Sakani, SY, Sang Pahni, H, and Dsynh, M. (2013) Examining of relationships within the company and outside the company with cash holding in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Quarterly Stock Exchange*.23:77-101.
- ✓ Badertscher, B. Jorgensen, B. Katz, S. Kinney, W. (2012). *Audit Pricing and Litigati Risk: The Role of Public*. Department of Accounting, McCombs School of Business
- ✓ Chang ,Y.T؛ Chan ،H؛ Cheng،R.K؛ Chi ،W. (2019). The impact of internal audit attributes on the effectiveness of internal control over operations and compliance. *Journal of Accounting contempory accounting and economics*, 15(1), 1-19.
- ✓ Cheng, M., Dhaliwal, D., & Zhang, Y. (2013). Does investment efficiency improve after the disclosure of material weaknesses in internal control over financial reporting? *Journal of Accounting & Economics*, 56, 1-18.
- ✓ Harris, M., & Raviv, A. (1996). The capital budgeting process: Incentives and information. *The Journal of Finance*, 51, 1139-1174.
- ✓ Higgins, A. (2007). The financial determinants of corporate cash holdings: evidence from some emerging market. 55 (1), pp: 101-120.
- ✓ Ji, X., et al. (2017). Voluntary Disclosure of Internal Control Weakness and Earnings Quality: Evidence from China. *The International Journal of Accounting*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.intacc.2017.01.007>
- ✓ Li, Y., Li, X., Xiang, E., Geri Djajadikerta, H., (2020), Financial Distress, Internal Control, and Earnings Management: Evidence from China, *Journal of Contemporary Accounting & Economics* (2020), doi: <https://doi.org/10.1016/j.jcae..100210>
- ✓ Lopez, C., Sanfilippo, S., & Torre, B. (2015). Investment Decisions of Companies in Financial Distress. *Business Research Quartely*. 18 (3): 174-187.
- ✓ Marchica, M. T., & Mura, R. (2010). Financial flexibility, investment ability, and firm value: Evidence from firms with spare debt capacity. *Financial Management*, 39 (4): 1339-1368.